دیوان عنصری
قطع — وزیری کوچک
قلم تحریر نستعلیق
کاغذ روسی خنفه
سرلوح مذهب عالی جدید
اوراق مجدول
جلد ساغری مشکی خشخاشی

١٧٧

دیوان ظهیر فاریابی ضمیمه است

اوراق ... شد
مهر ۱۳۵۰

فهرست شد



مجموعه ۱- ... ۲- دیوان ظهیر فاریابی

اسم کتاب دیوان عنصری ۲- دیوان ظهیر فارسی

مصنف حکیم ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی و ظهیرالدین فاریابی

مؤلف

خطی نستعلیق ۱۵ سطر

چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۲۰۶

جزء کتاب ادبیات شماره

شماره عمومی ۱۰۲۷۰ شماره قبض

واقف محمد ... تاریخ وقف ... ۹

طول ۲۱ عرض ۱۲



دلم عجب آید همی ز کار هوا | که مشکبوی سلب گشت و مشکبوی صبا
ز رنگ و بوی همی دانم و ندانم از آنکه | چنین هوا ز صبا گشت یا صبا ز هوا
درخت اگر علم پرنیان کشد رواست | که خاک باز کشیده است مفرش دیبا
بنور و ظلمت ماند زمین چو زار همی | به در و مینا ماند سرشک ابر و گیا
و نفقه است زمین ابر تیره را که ازو | همی ستاند در و همی دهد مینا
ز بر گوهر الوان و زر نقش بدیع | نهفته گشت درازی عالم پهنا
چه فایده است ز نقش بهار و پیکر او | که زر هواش بجاست و از نگار هوا
چو گر هواش بدین گونه روزگار افسد | بروزگار خزان هم هوا کندش هبا

رازی که بگل نسیم شب گفته است	سربسته ندانم که به بلبل گفته است
از غنچه بسته لب نیاید این کار	گل بود و همین دریده هم گل گفته است
آنم که دم بزلف کج یار زدم از دل	دالش از غم تو دم دیده بر هم زدم
ما روز همی بر چشم خود دم زدم	دوران طمع زدم به خرپا [illegible] زدم
دور از رخ روی تو دارم لب و دور	چشم دارم و دل خونابه از وی
چشم و هزار چشمه آب از وی	چند دارم هزار آب از وی

رویش نگر از صورت شب نیمه ی وصالش طلب از ملک جهان نیمه ی

[illegible]

۱۲۲۴